

”

من در تمامی صحبت‌هایم، به جای کلمه‌ی محروم یا کمتر برخوردار، از واژه‌ی مستضعف استفاده می‌کنم. هر کدام از این کلمات بار معنایی خاصی دارد و مستضعف معنی را بهتر می‌رساند. مستضعفان ضعیفان حقیقی نیستند؛ بلکه کسانی هستند که به واسطه‌ی کبر مستکبران، ضعیف شده‌اند و طبق وعده‌ی الهی، نیروی ایمان این گروه، قدرت بسیاری به آنها بخشیده و قطعاً وارثان زمین خواهند بود

ما همه در دانشگاه‌های روزانه و دولتی درس خوانده‌ایم و اگر در شرکت یا ارگانی مشغول بشویم، حقوق خوب دریافت می‌کنیم؛ ولی ترجیح داده‌ایم که با درآمدی محدود برای پیشرفت قدم برداریم. سخت‌ترین روزهای ما معمولاً در ارتباط با ساختار بروکراتیک می‌گذرد؛ آن زمانی که طرح و گام‌ها آماده است، ما آماده‌ایم و مردم و کل منطقه آماده‌ی یک تغییر هستند ولی به خاطر تنگ نظری، وجود ساختار بروکراتیک یا حتی سوء مدیریت، کارها پیش نمی‌رود. این جور مواقع عدم همکاری، باعث دل‌زدگی و ناامیدی مردم پای کار و منتظر می‌شود.

آرمان‌نهادهای مردمی توانمند در مناطق

هدف اصلی حل کردن مسائل مردم توسط مردم، ایجاد نهادهای مردمی پایدار در مناطق است. به هر حال ما پس از پایان هر پروژه‌ای از آن منطقه خارج می‌شویم؛ ولی آنچه اهمیت دارد این است که مردم کنار هم بمانند، جمعشان بزرگ‌تر بشود و مسائل مهم‌تری را حل کنند. اگر این نهادهای مردمی کوچک بزرگ‌تر و تبدیل به نهاد پیشرفت شهرستان می‌شوند، در افق دورتر تبدیل به نهاد پیشرفت منطقه‌ای خواهند شد و با هم پای کار حل مسائل منطقه‌ی خود می‌ایستند. اینکه یک پروژه‌ی چندمیلیاردی در یک روستا با مشارکت مردم حل بشود، در برابر هدف پیشرفت منطقه، دغدغه‌ای جزئی است. هنوز هم گروه‌های جهادی داریم که در روستاها فعالیت زیرساختی و عمرانی می‌کنند؛ ولی این گروه‌ها از این مرحله‌ی خدمت‌رسانی باید گذر کرده و به مشارکت خود مردم برای رفع مسئله برسند. آرمان ما تشکیل نهادهای اجتماعی هست که توان تعریف کار و انجام پروژه‌های بزرگ را داشته باشند و این زمانی معنی پیدا می‌کند که تعداد زیادی از نهادهای توانمند روستایی و شهرستانی را داشته باشیم. تنها در این صورت است که پیشرفت منطقه‌ای پایدار ایجاد می‌شود و می‌توانیم کشور را رشد بدهیم.

مدرسه‌ی پیشرفت نوجوانان برای اینکه بتوانیم در منطقه‌ی شرق اصفهان به اقتصاد مقاومتی و درون‌زا برسیم، مردم تشخیص دادند که نیاز به آموزش تخصص در بین نوجوانان است. این بود که مدرسه‌ی پیشرفت در شرق اصفهان شروع به کار کرد. این مدرسه به معنای واقعی یک موسسه‌ی آموزشی و در واقع یک هنرستان کشاورزی است. برای ساخت این مدرسه هم مسئولیت اجتماعی شرکت فولاد مبارکه کلید کار را زد و بعد از آن، خود مردم در ساخت و تأمین مالی آن پیش‌تاز شدند. در مدرسه‌ی پیشرفت، نوجوانان ۱۵ الی ۱۸ سال، تحت تعلیم آموزش‌های حرفه‌ای و دانش‌بنیان کشاورزی قرار خواهند گرفت و منطقه در رشته‌های کشاورزی، دامپروری و شیلات توانمند خواهد شد. در واقع این نوجوانان توانمند، مرجع حل مشکلات اقتصادی منطقه‌ی خودشان در سال‌های آتی خواهند بود.

کار عاشقانه برای وارثان زمین

من در تمامی صحبت‌هایم، به جای کلمه‌ی محروم یا کمتر برخوردار، از واژه‌ی مستضعف استفاده می‌کنم. هر کدام از این کلمات بار معنایی خاصی دارد و مستضعف معنی را بهتر می‌رساند. مستضعفان ضعیفان حقیقی نیستند؛ بلکه کسانی هستند که به واسطه‌ی کبر مستکبران، ضعیف شده‌اند و طبق وعده‌ی الهی، نیروی ایمان این گروه، قدرت بسیاری به آنها بخشیده و قطعاً وارثان زمین خواهند بود. این باور ماست که مناطق، زمانی از استضعاف خارج می‌شوند که به هویت خودشان برسند و بتوانند در حوزه‌ی خاص، کار ملی انجام بدهند. بعد از آن هم دیگر نیاز به نهاد حمایتی ندارند و خودشان کار را ادامه می‌دهند. جنس کار ما در شرکت طوری است که شبانه‌روز نداریم و سفر و مأموریت‌های زیادی به مناطق مستضعف می‌رویم. دوری از خانواده، درآمد پایین، سفرهای طولانی و سختی‌های دیگر را به عشق پیشرفت تحمل می‌کنیم. این شب و روز نشناختن، ارجحیت مردم بر خود، کار جهادی کردن، کار اجتماعی کردن جز با عشق محقق نمی‌شود.